

## آنچه باید از مبارزات مردم خوزستان آموخت



تجمع‌ها و تظاهرات مردم مبارز شهرهای مختلف خوزستان، در پی سرکوب‌های وحشیانه واحدهای پلیس ضد شورش، فروکش کرده است. اما این فقط ظاهر قضیه است. این شعله فروزان مبارزه علیه ستمگران حاکم بر ایران، خاموش شدنی نیست. از همین روست که از دی‌ماه سال گذشته تا به امروز، در سراسر ایران پیوسته شاهد اعتراضات و تظاهرات توده‌ای در شهرهای مختلف بوده‌ایم. تظاهرات تیرماه شهرهای خوزستان نیز در واقع، ادامه تظاهرات چند ماه گذشته توده‌های مردم این

در صفحه ۳

## وحدت جناح‌های حکومتی در کجا و تا به کجاست؟

"وحدت‌طلبی" و گرایش به همکاری در میان جناح‌های حکومتی تشدید شده است. اصول‌گرایانی که مخالف سرسخت برجام و روحانی بوده‌اند، اکنون حامی روحانی شده‌اند. بعد از سخنان روز سه‌شنبه ۱۲ تیر روحانی در یک نشست خبری در برن پایتخت سوئیس در مورد "نامشروع" بودن اسرائیل و صدور نفت که گفت: "معنی ندارد نفت ایران صادر نشود و آن وقت نفت منطقه صادر شود" که به بستن تنگه هرمز تعبیر شد، اصول‌گرایان بویژه "تندروترین" بخش آن‌ها از سخنان روحانی استقبال کردند. قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای برون مرزی سپاه (نیروی قدس) در پیامی که برای روحانی فرستاد، سخنان وی را "بسیار ارزشمند"، "مایه مباهات و افتخار" دانست. وی در پیام خود به روحانی، نوشت "دست شما را برای ایراد سخنان به موقع، حکیمانه و صحیح می‌بوسم و برای هر سیاستی که مصلحت نظام اسلامی باشد، در خدمت هستیم!!" کیهان شریعتمداری نیز که همواره در صف مقدم مخالفین روحانی و همدستان "اصلاح‌طلب" وی بوده و کابینه وی را به "فقدان روحیه جهادی" متهم می‌کرد، با کشف تغییراتی در "ادبیات" روحانی در برخورد با آمریکا، اگر چه با اندکی تردید و مشروط، اما سیاست حمایت از روحانی را پیشه کرده است. کیهان حنا در مقابل کسانی که از "چرخش" روحانی در گفتار و تغییر لحن وی به ابراز نارضایتی پرداخته و بخشاً بحث استیضاح وی را به میان کشیده بودند، نیز ایستاد. کیهان اصول‌گرا، استیضاح روحانی را "بحران‌سازی" و افزوده شدن مشکل دیگری بر مجموعه مشکلات خواند، با آن مخالفت و از روحانی حمایت کرد.

اگرچه سخنان اخیر روحانی که به ایستادن در برابر دولت ترامپ و بستن تنگه هرمز تعبیر شد، مورد استقبال طیف‌های گوناگون اصول‌گرایان بویژه کیهان و برخی از سران سپاه قرار گرفت و "وحدت" ولو "دیر هنگام" در گفتار، برای

در صفحه ۲

## خلاصه ای از اطلاعاتی‌های سازمان

در صفحه ۲

## با این دستمزد نمی‌توان زندگی کرد

در صفحه ۸

## سفر روحانی به اروپا، تلاشی بی‌برجام برای حفظ برجام

حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، طی روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه هفته گذشته به دو کشور اروپایی سوئیس و اتریش سفر کرد. بررسی آخرین وضعیت توافق هسته‌ای برجام در پی خروج آمریکا از توافقنامه برجام، موضوع اصلی سفر روحانی در دیدار با روسای جمهوری و دیگر مسئولان طراز اول این دو کشور اروپایی بود. سفری که تقریباً با آستانه نشست مشترک وزرای خارجه کشورهای عضو برجام در روز جمعه مصادف شد.

اتریش از اوایل ماه جاری به مدت ۶ ماه ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را عهده دار است و سوئیس نیز از سال ۵۸ در پی تسخیر سفارت آمریکا در تهران و پیامد آن قطع روابط دیپلماتیک این کشور با جمهوری اسلامی، سفارت خانه اش در تهران حافظ منافع دولت آمریکا در ایران است. از این رو،

در صفحه ۴

## ارز رسمی: اهدایی دولت به سوداگران از جیب مردم

ارز رسمی تخصیص داده شده است. از میان این ۴۰ شرکت در سه ماهه نخست، تنها ۳۰ شرکت "محموله‌هایی به ارزش بیش از ۷۵ میلیون و ۲۸۰ هزار یورو" از گمرک ترخیص کرده‌اند. پس از آن، بگومگویی میان وزیر ارتباطات و وزیر صنعت، معدن و تجارت در گرفت. شریعتمداری، انتشار لیست وزارت ارتباطات را اعلام "جنگ به بخش خصوصی" خواند و مدعی شد "ما نمی‌خواهیم به جنگ اقتصاد کشور برویم".

در صفحه ۵

در دو هفته گذشته، یکی از خبرهای جنجالی انتشار لیست‌های دریافت‌کنندگان ارز دولتی (دولار ۴۲۰۰ تومانی) جهت واردات کالا در سه ماهه اول سال جاری بود. قضیه از آنجا شروع شد که وزیر ارتباطات روحانی، پس از آغاز اعتصاب بازاریان و در واکنش به درخواست موبایل‌فروشان جهت اختصاص ارز دولتی برای واردات موبایل، در ۴ تیر ماه، لیستی از شرکت‌های واردکننده موبایل با ارز دولتی را منتشر کرد. با انتشار این لیست روشن شد به ۴۰ شرکت بیش از ۲۲۰ میلیون و ۶۴۰ هزار یورو

## وحدت جناح‌های حکومتی در کجا و تا به کجاست؟

### خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در تاریخ ۱۱ تیر ماه سازمان ما اطلاعیه‌ای تحت عنوان "مرگ ۵ کارگر بر اثر گاز گرفتگی، جنایت دولت و سرمایه‌داران" انتشار داد. این اطلاعیه با اشاره به ۵ کارگری که در نتیجه گازگرفتگی ناشی از مواد کاغذی در یک شرکت مقواسازی در روستای محمود آباد پاکدشت، جان خود را از دست دادند، می‌افزاید: "مرگ تاسف بار این ۵ کارگر در شرایطی اتفاق افتاده است که چند روز پیش نیز بر اثر آتش سوزی در پالایشگاه آبادان ۲ کارگر جان خود را از دست دادند و چند تن دیگر هم مجروح شدند. این اولین باری نیست که کارگران به دلیل عدم وسایل ایمنی لازم و یا به علت خستگی ناشی از کار زیاد و بی‌خوابی دچار سانحه شده و جان خود را از دست می‌دهند. هر روز اخباری از قربانی شدن کارگران منتشر می‌شود، بدون اینکه مرگ شان کمترین اهمیتی برای صاحبان کار و دولت حامی آنان داشته باشد."

در ادامه این اطلاعیه آمده است: "سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن همدردی با خانواده قربانیان حادثه پاکدشت و پالایشگاه آبادان، جان باختن این کارگران را به خانواده های آن‌ها تسلیت می‌گوید. سازمان فدائیان (اقلیت) مسبب هر گونه حوادثی از این دست را که در محیط کار رخ می‌دهد، مناسبات سرمایه داری حاکم بر ایران می‌داند. مناسباتی ظالمانه که در آن صاحبان آژمند ثروت و سرمایه و دولت حامی آنان، فقط به استثمار شدید کارگران و ثروت اندوزی هرچه بیشتر برای خود می‌اندیشند."

وار این که "برجام" را با اتریش و سوئیس نمی‌توان سر پا نگاه داشت، از "تعامل" دارودسته روحانی با سه کشور اروپایی (انگلیس، آلمان، فرانسه) که "عینا مواضع نامشروع دولت ترامپ را تکرار می‌کنند" مورد انتقاد قرار داده و از آن به‌عنوان یکی از موانع همراهی اصول‌گرایان با روحانی نام برده است. روحانی که سخت به اروپا امید بسته بود، بسته پیشنهادی آن را "مأیوس کننده" خواند. با برگزاری کمیسیون مشترک برجام در روز جمعه ۱۵ تیر ۹۷ در وین و حضور وزرای خارجه جمهوری اسلامی، چین، روسیه، انگلیس، آلمان و فرانسه، که چیز دیگری جز یک بیانیه ۱۰ ماده‌ای و مشتکی کلی‌گویی، قول‌های بزرگ اما مبهم و توخالی برای جمهوری اسلامی در بر نداشت و کیهان با نیت درشت "آبی از اروپا گرم نشد" صفحه نخست خود را آذین بست، شکی نیست که اختلاف جناح‌های حکومتی در این زمینه نیز شدیدتر خواهد شد.

تشدید می‌کند. همگرایی و همکاری لفظی و گفتاری جناح‌های حکومتی در لحظه فعلی اگرچه واقعی است، اما در عمل اتحاد میان آن‌ها پا نخواهد گرفت یا حتی اگر که به فرض ائتلافی میان آن‌ها شکل بگیرد، به سرعت از هم می‌پاشد.

چرا که تضادهای اصلی جامعه و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی بر جای خود باقی هستند و روزبه‌روز تشدید می‌شوند. جمهوری اسلامی نه تنها هیچ‌گونه راه‌حلی برای بحران‌های موجود و مشکلات و معضلات گوناگون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ندارد، بلکه هر روز بحران‌ها و معضل جدیدی را بر معضلات و بحران‌های پیشین افزوده است. در حالی که کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های مردم با خواست‌های متعدد و گوناگون، پیوسته در حال اعتراض و اعتصاب هستند، دست به راهپیمایی می‌زنند و به تظاهرات خیابانی روی آورده اند، اما هیچ روزنه‌ای در جهت بهبود اوضاع و پاسخگویی به خواست توده‌های معترض و ناراضی دیده نمی‌شود. تمامی شواهد حاکی از آن است که با برقراری تحریم‌های آمریکا، معضل فروش نفت و تامین درآمد و تنگناهای متعدد حاصل از تحریم‌ها از جمله در زمینه مناسبات تجاری و بانکی و غیره، اوضاع از جمیع جهات به مراتب بدتر و وخیم‌تر از آن‌چه که اکنون هست خواهد شد.

بنابراین به رغم همکاری و همراهی مقطعی جناح‌های حکومتی در لحظه کنونی، اما رژیم از حل بحران‌ها و معضلات موجود همچنان ناتوان است و مهیتر این‌که با این همکاری‌ها نه می‌تواند مانعی در برابر تشدید تضادها ایجاد کند و نه می‌تواند جلو رشد و گسترش و تشدید مبارزات کارگران و توده‌های زحمتکش را بگیرد. همین ناتوانی نیز از جمله فاکتورهایی است که اختلاف میان باندهای حکومتی رانیز بیشتر دامن خواهد زد.

اختلاف میان باندها و جناح‌های حکومتی نه فقط بر سر سیاست‌هایی که برای برون رفت از بحران‌ها و تنگناها اتخاذ می‌شود، بلکه بر سر منافع و سهم قدرت که همه آن اختلاف‌های دیگر، ریشه در این اختلاف اصلی دارد، نیز با این همکاری‌ها منتفی نمی‌شود. دارودسته روحانی می‌خواهد برجام ولو جسد متعفن آن را حفظ و با طرف‌های اروپایی معامله کند تا مگر مغزی برای رهایی از تنگناهای تحریم بیابد. شخص خامنه‌ای نیز در شرایط فعلی گزینه یا چاره دیگری ندارد جز آن‌که از روحانی حمایت کند.

اصول‌گرایان بر این باورند که لاشه گندیده برجام را هر چه زودتر باید در گورستان سیاست خارجی به خاک سپرد. از آن‌جا که کار برجام تمام است و سیاست‌های روحانی برای جلب اروپا و نجات برجام به جایی نرسیده و نخواهد رسید، این سیاست مورد انتقاد و مخالفت بیشتر اصول‌گرایان قرار خواهد گرفت. اصول‌گرایان بویژه گرایش‌هایی که کیهان شریعتمداری آن را نمایندگی می‌کند، با اشاره به تلاش‌های روحانی و سفر اخیر وی به اتریش و سوئیس و ذکر کنایه

برون رفت از شرایط کنونی مثبت و قابل قبول ارزیابی شد، اما کیهان پنهان نکرد که خواهان، امتداد و ارتقاء اتحاد گفتاری تا وحدت در "حوزه عملیاتی" است. کیهان اظهار امیدواری کرد که این "تغییر رویکرد" یا تغییر لحن روحانی "واقعی" باشد و از حد حرف فراتر رود.

حمایت اصول‌گرایان از روحانی به موارد فوق خلاصه نمی‌شود، کسان دیگری نیز از سخنان وی استقبال کرده و آن را به فال نیک گرفته‌اند. این‌که جناح‌های حکومتی ولو در گفتار، در لحظه فعلی تا حدی به هم نزدیک شده‌اند، واقعیتی است که منشاء آن اجبارها، دلایل و خطرهایی است که جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند. روزنامه اعتماد مورخ ۱۳ تیر ۹۷ گفتگویی را با حسن انصاری‌راد، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس ششم انتشار داد که بخوبی موقعیت کلیت رژیم و چرایی حمایت‌های پی‌درپی عناصر و محافل سرشناس و کل جناح اصول‌گرایان از حسن روحانی را نشان می‌دهد. مطابق اظهارات وی، اصول‌گرایان دریافته‌اند که تضعیف روحانی، تضعیف اساس نظام و نظم حاکم است. وی می‌گوید: همه از وضعیت کشور احساس خطر می‌کنند و چنین اضافه می‌کند: "اگر خطر جدی باشد که هست و اقدامی برای جلوگیری از بروز این خطر انجام نشود، جمهوری اسلامی با شرایط بدی روبرو خواهد شد."

او البته نمی‌گوید این "شرایط بد" چه هست و چگونه هست، اما منظور وی روشن است و بسیاری کسان دیگری از درون نظام به کرات از خطری که تمام موجودیت جمهوری اسلامی و ۴۰ سال خلافت اسلام در ایران را تهدید می‌کند، سخن گفته‌اند.

ترس و نگرانی اصلی اصول‌گرایان در لحظه فعلی نه اصلاح‌طلبان و دارودسته روحانی، بلکه تحریکات بیرون از نظام و قیل از همه ترس از توده‌های به‌جان آمده مردمی است که به اعتراض برخاسته‌اند و از دی ماه ۹۶ به این طرف، خیابان‌ها را ترک نکرده‌اند. عین این تفکر و "دوران‌اندیشی" در میان اصلاح‌طلبان و دارودسته روحانی نیز وجود دارد و اتحاد و اتفاق آن‌ها در مقابل کارگران و زحمتکشان برای مقابله با اعتراضاتی که قرار نیست به کمتر از براندازی رژیم رضایت دهد، موضوع جدیدی نیست. از این روست که از هر دو سو، رژیم جمهوری اسلامی به کشتی طوفان‌زده‌ای تشبیه می‌شود که اینان سرنشینان آن هستند و اگر که کشتی غرق شود، تمام سرنشینان آن اعم از اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب را به کام مرگ می‌فرستد. گرچه وضعیت رژیم در حال حاضر بسیار وخیم و خطری که تمام موجودیت آن را تهدید می‌کند جدی‌تر از گذشته است، اما این فریادهای "وحدت" طلبانه تازگی ندارد.

بنابراین تغییری ماهوی در "رویکرد" یا در گفتار و عمل حسن روحانی پدید نیامده است، ندای وحدت و همکاری اما اگر بلندتر از گذشته شنیده می‌شود، ناشی از وخیم‌تر شدن اوضاع رژیم و هراس از سرنگونی یا دست کم هراس از شرایطی است که روند سرنگونی را تسریع و

## آنچه باید از مبارزات مردم خوزستان آموخت



دیگر، مردم را سرکوب کند. این، یکی از نقاط ضعف کنونی جنبش است که رژیم از آن به نفع خود استفاده می‌کند و با جمع‌آوری نیرو از مناطق و شهرهای دیگر، مبارزات مجزا و منفرد را در هر شهر و استان کشور سرکوب می‌کند. هنوز جنبش به آن مرحله ارتقاء نیافته که توده‌های مردم سراسر ایران، هر مبارزه‌ای را در هر شهر و استان کشور جزئی از مبارزه خود علیه دشمن مشترک بدانند و به یاری آن‌ها برخیزند. به هر رو، برای این‌که جنبش کنونی به نتیجه مطلوب بیانجامد، نیازمند به هم پیوستگی جویبارهای منفرد و جدا از هم مبارزات است. ضعف بزرگتر جنبش عمومی کنونی در این است که جای طبقه کارگر هنوز در آن خالی است. نه این‌که ادعا شود کارگران در این جنبش‌های اعتراضی عمومی، حضور ندارند. بالعکس، در اغلب جنبش‌های کنونی، کارگران و زحمتکشان و خانواده‌های آن‌ها نیروی اصلی این جنبش‌ها را تشکیل می‌دهند. اما مسئله این است که آن‌ها به‌عنوان یک توده بی‌شکل و فاقد هویت طبقاتی در این جنبش‌ها حضور دارند. در همین خوزستان، توده‌های کارگر و زحمتکش و فرزندان آن‌ها در این مبارزات، حضوری فعال داشتند. اما در منطقه‌ای که ترکیب کارگری جمعیت آن فوق‌العاده بالاست و یکی از مهم‌ترین مراکز کارگری ایران محسوب می‌شود، کارگران خوزستان، به‌عنوان گردانی از طبقه کارگر، با هویت طبقاتی خود، با اشکال مبارزه سیاسی مختص خود، به‌ویژه با اعتصابات سیاسی، در اعتراض به وحشی‌گری‌های رژیم، وارد صحنه نشدند. این است اساسی‌ترین ضعف جنبش انقلابی کنونی توده‌های مردم ایران که باید در جریان اعتلای بیشتر جنبش برطرف شود. وقتی‌که کارگران در سراسر ایران به اعتصابات عمومی روی آورند، وقتی‌که کارگران یک اعتصاب عمومی سیاسی برپا کنند، ابزارهای سرکوب رژیم کارایی خود را از دست خواهد داد و زمینه برای به هم پیوستن مبارزات مردم شهرهای مختلف و برپائی تظاهرات و راهپیمائی‌های سرا سری فراهم خواهد شد. در بطن این اشکال مختلف و پیشرفته مبارزه توده‌ای است که شرایط برای قیام مسلحانه و سرنگونی جمهوری اسلامی فراهم خواهد شد.

برخاستند و ماشین‌های پلیس مزدور و سرکوبگر را به آتش کشیدند. روز یکشنبه ۱۰ تیر، مردم اهواز، بندر ماهشهر، سر بندر، خور موسی، کوت عبدالله نیز به حمایت از مردم خرمشهر به تظاهرات روی آوردند و علیه رژیم و اقدامات وحشیانه آن، شعار سردادند.

دستگاه قضایی رژیم تاکنون از بازداشت ۱۰ نفر از معترضان و شناسایی ۳۵ نفر دیگر در خرمشهر خبر داده است. اما اسامی انتشار یافته در شبکه‌های اجتماعی حاکی است که تعداد بازداشت‌شدگان بسیار بیش از آن چیزی است که رسماً اعلام شده است.

این واقعیت که سرشت مبارزات کنونی توده‌های مردم در سراسر ایران، یکی است و مضمون این مبارزات، دگرگونی نظم موجود از طریق سرنگونی جمهوری اسلامی است، در اعتراضات اخیر مردم خوزستان نیز به‌وضوح دیده شد. معضل آب به‌سرعت تبدیل به شعارهای سیاسی علیه حکومت شد. همان‌گونه که در اعتراضات چند روز قبل از آن نیز دیدیم که اعتراضات بازاریان بر سر دلار، وقتی‌که به خیابان کشید، تظاهرات از دست آن‌ها درآمد و شعارها توسط توده مردمی که به تظاهرات پیوسته بودند، به شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه‌ای و روحانی تبدیل شد.

امروز، توده‌های کارگر و زحمتکش سراسر ایران هر مشکل خود را که بخواهند مطرح می‌کنند، سریعاً تبدیل به مبارزه‌ای سیاسی علیه رژیم با شعارهای سرنگونی طلبانه می‌شود.

معضل آب هم گرچه این بار در خوزستان حاد شد، اما محدود به خوزستان نیست. در تعداد دیگری از شهرهای ایران نیز این معضل وجود دارد. هنوز در خرمشهر حکومت نظامی اعلام نشده پا برجاست که در پوشش تظاهرات آغاز شده است. در برازجان مردم به خیابان‌ها ریخته‌اند و علیه رژیم و فساد مقامات حکومت شعار سر می‌دهند.

امروز در سراسر کشور، معضل قطعی پی‌درپی برق وجود دارد. همین مسئله هم می‌تواند به اعتراض و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی تبدیل شود.

افزایش روزافزون بهای کالاهای موردنیاز توده‌های وسیع مردم، وضعیت معیشتی توده‌های کارگر و زحمتکش را به درجه‌ای غیرقابل‌تحمل رسانده است. اعتراض به گرانی و فقر نیز هر لحظه می‌تواند به تظاهرات علیه رژیم در هر شهر و سراسر کشور بیانجامد.

اما چه چیزی مردم سراسر ایران باید از مردم خوزستان بیاموزند؟ اتحاد و همبستگی. آن‌هم نه در حرف، بلکه در عمل. در جریان این مبارزه، مهم‌ترین شهرهای استان به حمایت و دفاع عملی از مردم خرمشهر به پا خاستند و به تظاهرات روی آوردند. اگر توده‌های مردم شهرهای دیگر با مردم خوزستان یک همبستگی عملی نشان می‌دادند و به تظاهرات روی می‌آوردند، رژیم ارتجاعی حاکم به‌سادگی نمی‌توانست با گسیل گله‌های واحدهای سرکوب ضد شورش از مناطق

استان در اعتراض به آلودگی و ناپیمنی محیط زیست، اعتراض به بیکاری و گرانی و اعتراض عرب‌های خوزستان به نابرابری و بی‌حقوقی است. مضمون این اعتراضات یکی است: نارضایتی از نظم حاکم بر ایران و مبارزه برای تغییر آن از طریق سرنگونی رژیمی که فجایع بی‌شمار به بار آورده است. اما این مبارزه خود را به اشکال متعدد بر سر مطالبات مختلف نشان داده است. چراکه مشکلات مردم و مطالبات آن‌ها یکی و دوتا نیست.

مبارزات این بار بر سر نبود آب آشامیدنی و شوری آب در منطقه‌ای آغاز شد که گرم‌ترین منطقه ایران است و قاعدتاً باید لاقل آب و برق برای مردمی که چندین ماه از سال با گرمای طاقت‌فرسای بالای ۵۰ درجه زندگی می‌کنند، تأمین باشد. اما باوجود چندین رودخانه مهمی که در این منطقه جاری است، رژیم حاکم، در طول ۴۰ سال حاکمیت ننگین خود، حتی نتوانسته آب آشامیدنی مردم این منطقه را تأمین کند. البته ناگفته نماند، رژیمی که تمام هست و نیست این کشور را برای چپاول و غارت سران و مقامات آن، به حراج گذاشته است، برای کسب درآمدهای بیشتر و پیشبرد سیاست پان‌اسلامیستی خود، اگر آب آشامیدنی هم باشد، ترجیحاً آن را به دولت عراق می‌فروشد.

در اعتراض به این وضعیت اسفبار، توده‌های زحمتکش مردم خرمشهر روز جمعه ۸ تیرماه، با در دست داشتن ظرف‌های خالی آب، به تجمع و تظاهرات روی آوردند. اما رژیمی که ورشکستگی‌اش را به عیان در برابر همگان به نمایش گذاشته، پاسخ مردم را با گسیل گله‌های پلیس و سرکوب مردم داد. واحدهای پلیس ضد شورش، شنبه‌شب نهم تیرماه به سرکوب گسترده و وحشیانه روی آوردند. مردم معترض نیز با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای و روحانی با برافروختن آتش در خیابان‌ها، سنگ‌رندی کردند و به مقاومت علیه مزدوران سرکوبگر حکومت اسلامی ادامه دادند. رژیم وحشی‌گری را به اوج رساند و مردم خرمشهر را به گلوله بست و تعدادی را به خاک و خون کشید. گزارش‌ها تعداد زخمی‌ها را ۱۱ نفر اعلام کرد. خبر از کشته شدن یک نفر نیز انتشار یافت. اما درحالی‌که فرماندار ضمن تکذیب یک کشته، تعداد زخمی‌ها را ۵ نفر اعلام کرد، وزیر کشور رژیم نه‌تنها کشته شدن یک نفر را تکذیب کرد، تعداد زخمی‌ها را نیز به یک نفر تقلیل داد.

فرماندار جیرمخوار و دیگر مقامات مزدور رژیم، به روال همیشگی خود، مردم مبارز خرمشهر را " عوامل اغتشاشگر و خرابکار " نامیدند.

در اعتراض به اقدامات وحشیانه رژیم در خرمشهر، توده‌های مردم آبادان به حمایت از مردم خرمشهر، تظاهرات برپا کردند. واحدهای ضد شورش رژیم در اینجا نیز تظاهرات مردم را مورد یورش و سرکوب قرار دادند. مردم مبارز آبادان به مقابله با وحشی‌گری نیروهای سرکوب



## سفر روحانی به اروپا، تلاشی بی فرجام برای حفظ برجام

روحانی به رغم اینکه از دو سال پیش به چند کشور اروپایی دعوت شده بود، ترجیح داد تا در این برهه زمانی به این دو کشور سفر کند. خصوصا سوئیس که حافظ منافع دولت آمریکا در ایران است و معلوم نیست که آیا روحانی در این سفر پیامی محرمانه برای دولت آمریکا داشته است یا نه؟

پوشیده نیست که خروج آمریکا از برجام و پیامد آن بازگشت دوباره تحریم های هسته ای و نفتی آمریکا، شرایط ویژه ای را برای هیات حاکمه ایران رقم زده است. در پی اقدامات دولت آمریکا، از جمله فشار برای قطع روابط تجاری و اقتصادی شرکت های بزرگ اروپایی همراه با کاهش یا قطع کامل خرید نفت ایران که احتمالا از اواسط پاییز شروع خواهد شد، اوضاع برای جمهوری اسلامی به شدت بحرانی تر شده است. بحرانی ژرف که هم اکنون و پیش از شروع تحریم های نفتی، تمامی مسئولان و جناح های رنگارنگ جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است.

از این رو، با سفر روحانی به اروپا و متعاقب آن نشست مشترک وزرای خارجه کشورهای باقیمانده عضو برجام در روز جمعه، همه نگاه ها طی هفته گذشته متوجه نتایج این دو رخداد شدند. نتایج آن اما، به جز یک سری وعده های کلی و قول و قرارهایی مبنی بر "حمایت سوئیس و اتریش از برجام" و حفظ مناسبات اقتصادی فی مابین نتیجه دیگری برای روحانی و هیات همراهش نداشت. چرا که اگر غیر از این بود، روحانی پس از مذاکرات اولیه خود با رئیس جمهور سوئیس در ملاقات با گروهی از ایرانیان مقیم این کشور با زبان تهدید اعلام نمی کرد: "اصلا معنی ندارد که نفت ایران صادر نشود و آن وقت نفت منطقه صادر شود، شما اگر توانستید این کار را بکنید، تا نتیجه اش را ببینید". اظهار نظری که روز بعد وقتی خبرنگاری از او پرسید، آیا مفهوم این حرف شما به معنی "بستن تنگه هرمز" است؟ روحانی دیگر حاضر به تایید و یا تکرار دوباره سخنان خود نشد. اظهار نظری غیر عملی که بیشتر برای روحانی خوراک تبلیغاتی و مصرف داخلی داشت. سخنانی که با دو واکنش متضاد در داخل و خارج بازتاب یافت.

در حالی که محمد جعفری فرمانده سپاه پاسداران، قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس و دیگر اصولگرایان حکومتی از این موضع روحانی "ستایش و تقدیر" کردند و "مواضع اخیر مسئولین اجرایی کشور" را نشانه "رویکرد و نگاه انقلابی" دانستند، سخنگوی فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا اعلام کرد: نیروی دریایی آمریکا و متحدانش امنیت جریان تجارت آزاد در منطقه را تضمین می کند.

سفر سه روزه روحانی یک روز قبل از نشست کمیسیون مشترک برجام در وین خاتمه یافت. نشستی که همزمان با بررسی آخرین وضعیت برجام، می بایست بسته اقتصادی اتحادیه اروپا نیز تحویل ایران می شد. اگرچه سفر اروپایی

روحانی کمترین نتیجه مطلوبی برای دولت نداشت، اما روحانی و هیات حاکمه ایران کماکان به بسته اقتصادی اتحادیه اروپا و نتایج حاصل از نشست مشترک وزرای خارجه کشورهای عضو برجام - شامل آلمان، فرانسه، انگلیس، روسیه، چین و نماینده اتحادیه اروپا - دل بسته بودند.

جلسه کمیسیون برجام برگزار شد. این نشست نیز بدون دستیابی به هرگونه راه حل عملی برای نجات برجام و با پیشنهادهای "قابل راستی آزمایی و قابل اجرا" جهت پاسخگویی به منافع جمهوری اسلامی، صرفا با صدور یک بیانیه ۱۰ ماده ای پایان یافت.

مطابق بیانیه کمیسیون برجام که موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بدون حضور ظریف آن را برای خبرنگاران خواند، اتحادیه اروپا، آلمان، فرانسه، انگلیس، روسیه، چین و ایران به گفتگو و بررسی جزئیات فنی مسائل ادامه می دهند تا راه هایی برای نجات **توافق هسته ای** پیدا کنند. (تاکید از ما است)

پس از صدور بیانیه، ظریف نیز در جمع خبرنگاران ایرانی با بیان اینکه، پیشنهادهای اروپا با مسئولان نظام مطرح خواهد شد تا "مقامات عالی کشور تصمیم لازم را در باره نحوه ادامه کار" بگیرند، گفت: "منتظر می مانیم تا ببینیم که آیا سایر طرف های برجام نکاتی را که امروز مورد بحث قرار دادیم و در خصوص آن ها توافق کردیم و در بیانیه کمیسیون مشترک برجام آمده است، اجرا می کنند یا نه". بیان این جملات وزیر خارجه جمهوری اسلامی یعنی هیچ، یعنی بی حاصلی سفر روحانی و بی نتیجه بودن نشست کمیسیون مشترک در باره آینده برجام.

در واقع جمهوری اسلامی پس از یک هفته رایزنی، تلاطم و انتظار، بی هیچ نتیجه امیدوارکننده ای به همان نقطه بحرانی آغازین خود بازگشت. چرا که با گذشت چند ساعت از صدور بیانیه کمیسیون مشترک، صدای اعتراض منتقدین دولت که طی چند روز گذشته به حامیان روحانی تبدیل شده بودند، دوباره به هوا برخاست.

روزنامه کیهان در یادداشت روز خود تحت عنوان "شکلات در پایان مذاکرات" نوشت: "همانطور که خود اروپایی ها نیز اذعان کرده اند و مقامات دولت نیز می دانند، اروپا قادر به جبران و ترمیم وضعیت جدید برجام بدون آمریکا نیست... با مروری به بندهای ۱۰ گانه بیانیه اتحادیه اروپا می بینیم که این بیانیه از فقدان تضمین برای حفظ برجام در مقابل عهد شکنی و کارشکنی آمریکا رنج می برد". این روزنامه همچنین در یادداشت سیاسی خود با انتخاب تیتر "بسته اروپا پر از خالی بود"، به نقل از روحانی آن را "مایوس کننده" خواند.

وضعیت "مایوس کننده" موجود و ناکارایی برجام پس از خروج آمریکا، موضوع جدیدی نیست که صرفا در پی بی حاصلی نشست مشترک وزرای خارجه کشورهای عضو برجام در وین، پیش آمده باشد. سازمان فدائیان (اقلیت)

## کمک های مالی

### کانادا- ونکوور

دمکراسی شورایی ۱	۵۰ یورو
دمکراسی شورایی ۲	۵۰ یورو
دمکراسی شورایی ۳	۵۰ یورو

### سوئیس

علی اکبر صفایی فراهانی	۳۰ فرانک
سیامک اسدیان (اسکندر)	۴۰ فرانک
حمید اشرف	۳۰ فرانک
محمد کاسهچی	۵۰ فرانک
امیر نبوی	۵۰ فرانک

### دانمارک

هوشنگ احمدی	۲۰۰ کرون
دکتر نرمیسا	۲۰۰ کرون
خروش (ژوئیه)	۲۰۰ کرون

### سوند

یاد رفیق حمید اشرف گرمی باد ۲۰۰ کرون

### هند

صمد ۳۰۰ یورو

در نشریه کار طی مقالات متعددی بر شکست برجام تاکید کرده است. از جمله در ۲۱ خرداد ۹۷ (کار شماره ۷۷۶) تحت عنوان "جمهوری اسلامی و نعل برجام" به صراحت نوشتیم: "جمهوری اسلامی راهی ندارد جز آنکه به برجامی که دیگر برجام نیست تن دهد. برجام روی دست آن باقی مانده است. تا لحظه ای که هنوز زمان دفن رسمی برجام فرا نرسیده است، برجام بر سر دست جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند، ولو تابوتی که حامل نعلش آن است".

در واقع، سفر روحانی به اروپا و نیز نشست مشترک وزرای خارجه کشورهای باقیمانده عضو برجام در روز جمعه، بخشی از آخرین تلاش های جمهوری اسلامی برای بهره برداری از نتایج توافق برجام پس از خروج آمریکا بود. که این تلاش نیز بدون رسیدن به یک راه کار عملی و صرفا در حد یک سری وعده های کلی بر روی کاغذ نقش بست.

با این همه و به رغم اینکه سفر روحانی و نشست کمیسیون مشترک برجام هیچ نتیجه محسوسی برای هیات حاکمه ایران نداشت، اما، اظهار نظر روحانی مبنی بر اینکه: "اصلا معنی ندارد که نفت ایران صادر نشود و آن وقت نفت منطقه صادر شود، شما اگر توانستید این کار را بکنید، تا نتیجه اش را ببینید"، دست کم تا پایان نشست کمیسیون برجام در وین، آنچنان خوشایند خامنه ای، فرماندهان سپاه پاسداران و مجموعه اصولگرایان حکومتی بود که در چند روز گذشته جملگی به تکریم و تمجید از روحانی بر خاستند. این ذوق زدگی و حمایت از روحانی اما، فقط چند روز دوام آورد و بلافاصله با بازگشایی بسته اقتصادی اتحادیه اروپا و صدور بیانیه نشست مشترک وزرای خارجه کشورهای عضو برجام در وین، وضعیت حادثی را برای جمهوری اسلامی رقم زد. وضعیتی که "پاس و ناامیدی" فقط گوشه ای از شرایط موجود است.

## ارز رسمی: هدایی دولت به سوداگران از جیب مردم

در ۶ تیر ماه، روحانی در جمع مدیران اجرایی از رئیس کل بانک مرکزی و وزیر صنعت، معدن و تجارت خواست اسامی ارزگیران را منتشر کنند تا "مردم بدانند چه کسی، برای چه امری و به چه میزانی ارز دولتی دریافت کرده است."

با انتشار فهرستی ۵۳ صفحه‌ای شامل ۱۴۸۲ فرد و شرکت دریافت‌کننده ارز دولتی از سوی بانک مرکزی در ۱۰ تیر ماه، ماهیت رسوای "بخش خصوصی" و وضعیت "اقتصاد کشور" آشکار شد. این فهرست شامل افراد و شرکت‌هایی است که از ۲۱ فروردین برای واردات کالا ارز دولتی دریافت کرده‌اند. گرچه فهرست بانک مرکزی از فیلتر وزارت صنعت و معدن گذشته و شامل تمامی دریافت‌کنندگان ارز نمی‌شود، اما همین لیست گزینشی و ناکامل و دارای ابهامات و شگفتی‌های فراوان، ماهیت رسوای "بخش خصوصی" و "اقتصاد کشور" را به خوبی آشکار می‌کند.

نخست باید یادآوری کرد که نام برخی کالاها در این فهرست دیده نمی‌شود، به عنوان نمونه واردات خودروسازان و مونتاژکاران. بنا به آمار گمرک ایران، در فروردین ماه، خودروسازان ۱۹۰ میلیون دلار قطعه وارد کرده‌اند. آمار تجارت خارجی، می‌گوید مجموع واردات انواع قطعه خودرو در سه ماهه اول سال جاری حدود ۷۸۰ میلیون دلار بوده است. با توجه به آن که سیاست جدید ارزی دولت از اوایل اردیبهشت به اجرا درآمد، یک محاسبه ساده نشان می‌دهد که تنها در دو ماه اخیر قیمت واردات قطعات خودرو به ۵۹۰ میلیون دلار رسیده و بیش از سه برابر شده است.

یکی از نکات قابل توجه در این فهرست نحوه توزیع ارز دولتی است. فهرست بانک مرکزی از اختصاص ۱۲۱ میلیون یورو ارز دولتی به ۲۱ شرکت واردکننده خودرو حکایت دارد. طبق این فهرست، ۷۶ درصد ارز دولتی در اختیار چهار شرکت خودرویی و وزارت بهداشت قرار داده شده است. تنها وزارت بهداشت و شرکت "جهان نوین آریا"، نماینده رسمی نیسان، تقریباً نیمی از مجموع ارز دولتی تخصیص یافته به واردات خودرو، یعنی ۵۰ میلیون یورو، را به خود اختصاص داده‌اند و مابقی بین ۲۰ واردکننده دیگر توزیع شده است. هرچند تا این لحظه، هیچ یک از شرکت‌ها خودرویی را برای فروش اعلام نکرده‌اند. وزارت بهداشت با بیش از ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو ارز دولتی، مدعی است ۴۰۰ دستگاه آمبولانس کمک برای مناطق کوهستانی، برف‌خیز و صعب‌العبور است. در حالی که در فهرست از این خودروها نه با کد تعرفه آمبولانس، بلکه با کد تعرفه خودروهای ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سی‌سی یاد شده است. گذشته از آن، طبق آمار گمرک، هنوز هیچ آمبولانسی به نام وزارت بهداشت ترخیص نشده است. البته به جز خود وزارت بهداشت، شرکت "ایران خودرو

دیزل سهامی عام" هم که قرار بود برای وزارت بهداشت آمبولانس وارد کند، ۴ میلیون یورو را به واردات آمبولانس اختصاص داده است. گذشته از آن، و به رغم ممنوعیت واردات خودرو توسط شرکت‌های غیر نمایندگی، شرکت‌های متعددی از این دست نیز مبالغ ارزی قابل توجهی را در سامانه نیما\* به خود اختصاص داده‌اند. بوده‌اند کالاهایی هم که بعد از دریافت ارز توسط واردکنندگان در فهرست کالاهای وارداتی ممنوعه قرار گرفتند، مانند سشوار و ماشین ظرفشویی که توسط نماینده رسمی نیوا در ایران، وارد شده‌اند.

البته گویا وزارت بهداشت، تنها ارگان دولتی نیست که با ارز رسمی اقدام به واردات می‌کند. در نشست مطبوعاتی در ۱۴ تیر، وزیر ارتباطات اعلام کرد که یکی از شرکت‌های زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی، ۳۶۶ هزار و ۳۸۱ یورو برای واردات موبایل ارز دریافت کرده است. در همان نشست، مشاور مدیر عامل و مدیر کل روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی از خبرنگاران خواست که این بخش از سخنان آذری جهرمی را منتشر نکنند.

ویژگی دیگری که با بررسی این فهرست روشن می‌گردد، آشفتگی در واردات است، زیرا برخی از دریافت‌کنندگان ارز، کالاهایی غیر از کالاهای مورد انتظار را وارد کرده‌اند. برای مثال شرکت خودروسازی "ماموت خودرو"، نمایندگی فولکس واگن، قهوساز و چای‌ساز وارد کرده است؛ شرکت "رهروان خودرو پیشگامان نگین جنوب"، با دریافت ۱۳۴ هزار یورو، چای وارد کرده است؛ شرکت دارویی "جابر ابن حیان" با ۵۸۷ هزار یورو ارز دولتی و شرکت داروسازی رها اصفهان با ۱۷۳ هزار یورو، بخارشور وارد کرده‌اند؛ باشگاه منحل شده "البر بندر کنگ" تأیر خودرو و یک شرکت فعال در حوزه فرش، لوبیا وارد کرده است.

از برخی شرکت‌های دریافت‌کننده ارز دولتی اصولاً نامی برده نمی‌شود. برای نمونه، دو شرکت "هانا تجارت ترولیت" و "صنعت ساحل پرشیا"، که ۶۰ درصد کل ارز تخصیصی به واردکنندگان کاغذ را دریافت کرده‌اند. این دو شرکت ۲۲ / ۸ میلیون یورو برای واردات ۳۰ هزار تن کاغذ دریافت کرده‌اند اما اکنون نه از کاغذهای وارداتی خبری است و نه از این دو شرکت. به گفته روزنامه شرق، هرچند کسی در بازار کاغذ صاحبان این دو شرکت را نمی‌شناسد، اما در بانک مرکزی چندان غریبه نبوده‌اند و در برخی جلسات بانک مرکزی شرکت می‌کردند و روابطی با مسئولان بانک مرکزی داشتند. این در حالی است که کاغذفروشان به دلیل نوسانات ارزی از عرضه محموله کاغذ خودداری می‌کنند، قیمت کاغذ بیش از ۳۰ درصد و کاغذ روزنامه بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته است، وزارت آموزش و پرورش نگران انتشار کتاب‌های درسی برای

مهر است و وزارت علوم هم برای نشر کتاب‌های دانشگاهی به کاغذ نیاز دارد.

با وجود اختصاص دست و دل‌بازانه ارز رسمی به تاجران و سوداگران، بر اساس فهرست بانک مرکزی، شرکت‌های واردکننده، قیمت کالاهای خود را افزایش داده‌اند. از جمله ۱۰۴ شرکت برای واردات برنج ارزی به ارزش حدود ۵۰۳ میلیون یورو دریافت کرده‌اند، که کمتر از یک میلیون آن از سامانه نیما و بقیه از طریق بانک در اختیارشان قرار داده شده است. با وجود این قیمت برنج وارداتی بیش از ۴۴ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است. مدیر کل بازار وزارت جهاد کشاورزی نیز مدعی است "مصوبه‌ای برای افزایش قیمت این محصول استراتژیک" ابلاغ نشده است. در بخش دیگری از فهرست از ۱۶ شرکت واردکننده کره برخوردار از نزدیک به ۶۶ میلیون یورو ارز رسمی نام برده می‌شود در حالی که قیمت کره نیز نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد افزایش قیمت داشته است. یا در این فهرست بیش از ۶۰ شرکت برای واردات چای ارز دولتی گرفته‌اند، در حالی که دهها هزار تن محصولات چای شمال کشور به علت عدم استفاده از فناوری در عمل‌آوری و معطر ساختن، سال‌هاست در انبارهای سازمان چای از بین رفته و می‌رود.

به جز شرکت‌ها، افراد و خانواده‌هایی هم از این خوان نعمت بهره‌ها برده‌اند. برای آشنایی با ماهیت این گونه افراد خانواده‌ها، اشاره به یک نمونه بسیار روشن‌گرانه است. بنا به فهرست بانک مرکزی، دریافت‌کننده بیش‌ترین ارز دولتی، شرکت روغن نباتی ماهیدشت کرمانشاه متعلق به خانواده "مدلل" است. این شرکت توانسته حدود ۱۵۰ میلیون یورو برای واردات دانه سویا دریافت کند. نگاهی به فعالیت‌های اقتصادی این خانواده نشان می‌دهد که دارای دو کارخانه تولید روغن در شمال و غرب کشور است که تعطیل و نیمه تعطیل هستند، کارخانه‌های آب معدنی آنان تعطیل است و کارخانه سیمان که توسط احمدی‌نژاد افتتاح شده بود، در حال حاضر نیمه فعال و کارخانه ذوب آهن‌شان نیز نیمه فعال است. سابقه این خانواده در چپاول به این یک مورد در سال جاری محدود نمی‌شود، بلکه در سال ۹۲ و اوایل روی کار آمدن روحانی، گزارش‌های مفصلی درباره رانت‌خواری ۶۵۰ میلیون یورویی یک تاجر واردکننده روغن و مواد روغنی با دستور ویژه "وزیر صنعت، معدن و تجارت" منتشر شد. در سال گذشته نیز یکی از نمایندگان رژیم در مجلس از بدهی بیش از ۵ هزار و ۷۴۵ میلیارد ریالی خانواده مدلل به بانک سرمایه خبر داد.\* خانواده‌ای که بارها از سوی سپاه پاسداران مورد تقدیر قرار گرفته است.

بر این همه، باید افزود که شرکت‌هایی نیز بوده‌اند که گویا از تصمیم دولت مبنی بر تعیین نرخ ارز رسمی اطلاع داشته و پیش از اعلام تصمیم، یا به وجود آمده‌اند یا اساسنامه خود را تغییر داده‌اند تا ارز رسمی به آن‌ها تعلق گیرد.

به جز فهرست‌های بانک مرکزی و وزارت

## با این دستمزد نمی‌توان زندگی کرد

دارد؟! آن هم در شرایطی که تنها تشکلهای کارگری موجود که به‌رغم سرکوب و دستگیری اعضای آن همچنان بر جای خود استوار مانده‌اند، خواستار تعیین ۵ میلیون تومان به‌عنوان حداقل دستمزد بودند.

پیام مصوبه شورای عالی کار برای طبقه کارگر این است که این شورا ارگانی در خدمت طبقه حاکم، طبقه سرمایه‌دار است، طبقه‌ای که منافعش در کاهش دستمزدهای واقعی کارگران است، طبقه‌ای که قدرت سیاسی را نیز در دست دارد. پیام دیگر این مصوبه این است که طبقه حاکم حاضر به پذیرش خواست طبقه کارگر در رابطه با افزایش دستمزد نیست و این طبقه البته در موقعیتی قرار دارد که حداقل دستمزد مصوب خود را به کارگران تحمیل کند!!

بنابر این یک راه برای طبقه کارگر باقی می‌ماند و آن تغییر شرایطی است که این امکان را برای طبقه حاکم بوجود آورده تا دستمزدهای ناچیز کنونی را به طبقه کارگر تحمیل کند، طبقه حاکم باید شرایطی را ایجاد کند که طبقه حاکم سرمایه‌دار نتواند تصمیمات خود را به طبقه کارگر تحمیل کند. این به آن معناست که طبقه کارگر باید به جای تن دادن به تصمیمات طبقه حاکم، خواست خود را به این طبقه تحمیل کند، اما طبقه کارگر چگونه می‌تواند خواست خود را به طبقه حاکم تحمیل کند؟!

قبل از پاسخ به این سوال باید این را گفت که مساله افزایش دستمزد موضوعی نیست که فقط یک بار در آخر سال تعیین شود. کارگران در اقصا نقاط جهان هر گاه که توانستند و در طول سال برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب و اعتراض می‌زنند. در همین هفته‌های گذشته در آرژانتین و فرانسه اعتصابات بزرگ کارگری صورت گرفت که یکی از خواست‌های آن‌ها افزایش دستمزد بود. رانندگان اتوبوس در هلند پس از ماه‌ها اعتراض که به چندین اعتصاب منجر شد بالاخره توانستند تا حدود زیادی به خواست خود برسند که یکی از آن‌ها افزایش دستمزد بود. در همه‌ی این اعتصابات هم اتحادیه‌های کارگری حضور داشتند.

اما در ایران چگونه است؟! در ایران کارگران برخلاف کشورهایی که نام برده شد، فاقد اتحادیه‌هایی هستند که در این کشورها وجود دارد و رهبری اعتصاب را برعهده دارند. نبود تشکل همواره یک عامل بزرگ منفی در مبارزات طبقه کارگر و سراسری شدن آن عمل کرده است. طبیعی است که بسیاری از خواست‌های کارگران مانند افزایش دستمزد، خواست‌های کارگران یک کارخانه و یا یک منطقه نیستند، خواست‌های کل طبقه کارگر است. تجربه ثابت کرده است که کارگران ایران نمی‌توانند به خواست خود در تعیین دستمزدی که معیشت و هزینه‌های یک خانوار کارگری را تامین کند برسند، مگر آن‌که به عنوان یک طبقه در برابر طبقه سرمایه‌دار قرار گیرند و این کار هم به تشکل نیاز دارد. اما در حالی که جمهوری اسلامی مانع ایجاد تشکلات کارگری می‌شود کارگران چه می‌توانند بکنند؟! در ایران تشکل کارگری چیزی نیست که ما امروز تصمیم بگیریم و فردا آن را ایجاد کنیم. تشکل کارگری از درون مبارزه کارگران و از دل تجربه مبارزاتی و آگاهی که در اثر مبارزات و زندگی و کار در محیط کارگری کسب می‌کنند



بیمارستان‌های تامین اجتماعی می‌مانند که آن‌ها خدمات‌شان متأسفانه هم ناکافی است و هم تعداد آن‌ها کم. آیا کارگر می‌تواند با این دستمزد تنها هزینه‌های خوراکی را تامین کند؟! باز هم نه! هزینه مسکن، خواربار، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، حمل و نقل، وسایل خانه، مسافرت، کدام یک را این دستمزدها پاسخگو هستند!!

وضعیت بازنشستگان تامین اجتماعی اگر از این بدتر نباشد بهتر هم نیست. به‌گفته‌ی اکبر قربانی دبیر "خانه کارگر" غرب تهران، ۸۰ درصد بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی حداقل بگیر هستند.

به‌گفته‌ی علی دهقان کیا نائب رئیس کانون بازنشستگان استان تهران، و براساس آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس، تعداد بازنشستگان تامین اجتماعی سه میلیون، تعداد بازنشستگان صندوق بازنشستگی کشوری یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر، صندوق بازنشستگی فولاد ۸۳ هزار و صندوق بازنشستگی عشایر ۴۷۰۰ نفر است که از مجموع بازنشستگان ۶۰ درصد حداقل بگیر هستند. هم چنین به‌گفته‌ی مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری، ۲۵ درصد از بازنشستگان این صندوق حداقل بگیر هستند.

وضعیت معلمان به عنوان یک گروه بزرگ از حقوق‌بگیران دولت نیز چندان تفاوتی با کارگران ندارد. جدا از معلمانی که به‌صورت حق‌تدریسی، پیمانی و مانند این‌ها با حقوق‌های اسفناکی مشغول به کار هستند، متوسط حقوق معلمانی که در استخدام رسمی آموزش و پرورش هستند، به‌گفته‌ی مشاور وزیر آموزش و پرورش ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است. حال سوال این است، طبقه کارگر برای رسیدن به خواست خود یعنی دستمزدی که معیشت و هزینه‌های یک خانواده‌ی کارگری را تامین کند، چه باید بکند؟

برای پاسخ به چه باید کرد، اول باید دید که مصوبه شورای عالی کار در رابطه با دستمزد کارگران در سال ۹۷ چه پیامی برای کارگران

تشکل از فعالین کارگری ایران نیز خواستار تعیین همین رقم برای حداقل دستمزد شدند. سازمان ما نیز ضمن حمایت از خواست‌های کارگران ایران برای افزایش حداقل دستمزد، همواره خواستار تعیین حداقل دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه‌ها و تامین معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری و افزایش سالانه پایه دستمزد متناسب با سطح هزینه‌ها بوده است.

اگرچه با افزایش نرخ تورم در ماه‌های اخیر، اکنون ۵ میلیون تومان نیز پاسخگوی هزینه‌ی یک خانواده‌ی کارگری نیست. اما چه بر سر دستمزد کارگران آمد و شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران را چه میزان تعیین کرد؟! تا چه حد شورای عالی کار به خواست کارگران توجه کرد؟!

شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۹۷ را یک میلیون و ۱۱۴ هزار تومان تعیین کرد که با حق مسکن و فرزند و بن نقدی برای یک خانوار کارگری یک میلیون و ۳۷۵ هزار تومان و برای یک کارگر مجرد یک میلیون و ۲۶۴ هزار تومان می‌شود. این را هم در نظر بگیریم که بخش بزرگی از کارگران از جمله اکثریت کارگران زن (و کودکان کار) از همین حداقل نیز محروم هستند و اغلب فاقد بیمه

حالت کارگر با این دستمزد چه می‌تواند بکند؟! کدام هزینه را می‌تواند پاسخگو باشد؟! حتا آب آشامیدنی را هم امروز باید بخرد چون آب لوله‌کشی در بسیاری از نقاط کشور قابل استفاده نیست!!! آیا کارگر می‌تواند با این درآمد فرزندان خود را به مدرسه بفرستد؟! آن هم مدرسی که قرار بود مجانی باشند اما به بهانه‌های گوناگون از والدین پول می‌گیرند، تازه هزینه‌های وسایل آموزشی به‌جای خود!! آیا کارگر می‌تواند اگر یکی از اعضای خانواده به بیماری سختی دچار شد، هزینه‌های بیمارستان را بدهد؟! آن هم با بیمه تامین اجتماعی که اولاً در برخی از بیمارستان‌ها اصولاً قبول نمی‌کنند و در برخی دیگر هم اگر دفترچه تامین اجتماعی را قبول کنند، بخش بزرگی از هزینه را باید خودت بدهی!! تنها

## با این دستمزد نمی‌توان زندگی کرد

بوجود می‌آید. امروز طبقه کارگر ایران اما به این آگاهی رسیده است. مبارزه به او ثابت کرده که بدون تشکل، کاری پیش نمی‌رود. این را هم می‌داند که جمهوری اسلامی یک مانع بزرگ در ایجاد تشکل کارگری است. برای همین، کارگران این تشکل‌ها را در اشکال گوناگون و متناسب با شرایط زمانی و مکانی بوجود آورده و می‌آورند. از تشکل‌های پایدار گرفته تا ناپایدار. اما مرحله‌ی بعدی این آگاهی این است که کارگران یک کارخانه به تنهایی نمی‌توانند خواست‌های خود را به دولت و طبقه سرمایه‌دار تحمیل کنند و در این راه به حمایت رفقای کارگر خود در دیگر کارخانجات نیاز دارند. این آگاهی نیز در میان کارگران در حال رشد است و برخی از اعتصابات رشته‌ای این را نشان داده است. برای افزایش دستمزد نیز کارگران باید به عنوان یک طبقه وارد عمل شوند و نباید فکر کرد که اول باید تشکل سراسری ایجاد کرد و بعد وارد عمل شد. اعتصاب کامیونداران یک نمونه و تجربه خوب در این مورد است که چگونه این اعتصاب به یک اعتصاب سراسری فرا رویید. در واقع همبستگی کارگری نیز در ایران تنها در جریان عمل امکان شکل گرفتن دارد. زمانی که اعتصاب در یک کارخانه، یک رشته یا یک منطقه شروع و به دیگر کارخانجات و مناطق سرایت کند. اینجاست که از درون همین مبارزات کارگران ارتباطات و همبستگی خود را شکل و گسترش خواهند داد و حتا امکان تشکل سراسری بوجود خواهد آمد.

مورد دیگر همان‌طور که در ابتدای مقاله گفته شد این است که خواست افزایش دستمزد منحصر به کارگران نیست. دیگر زحمتکشان جامعه نیز با همین مشکل روبرو هستند و حقوق آن‌ها پاسخ گوی نیازهای معیشتی و دیگر هزینه‌های‌شان نیست. همبستگی بین طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جامعه بویژه بازنشستگان و معلمان قدرت آن‌ها را در برابر طبقه حاکم افزایش می‌دهد. به همین دلیل اتحاد طبقه کارگر با دیگر زحمتکشان جامعه اهمیت زیادی دارد. همان‌طور که در اطلاعیه‌های منتشره در رابطه با افزایش دستمزد سال ۹۷ دیدیم، علاوه بر گروه اتحاد بازنشستگان، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در اطلاعیه‌ای جداگانه بر ضرورت افزایش دستمزد تاکید کرده بود. این‌ها همه اقداماتی بود که تازگی داشت و نشان‌دهنده‌ی رشد آگاهی در میان کارگران و زحمتکشان در ارتباط با ضرورت اتحاد آن‌هاست.

مبارزه برای افزایش دستمزد، نه فقط مبارزه برای تحقق یکی از مهم‌ترین خواست‌های لحظه‌ی کنونی طبقه کارگر است، بلکه این مبارزه همچنین باعث بالا رفتن آگاهی و همبستگی طبقه کارگر خواهد شد. طبقه‌ای که برای پایان بخشیدن به شرایط اسفبار کنونی، و پایان دادن به سلطه‌ی نظام سرمایه‌داری، رسالت بزرگی بر دوش دارد. مبارزه برای افزایش دستمزد را باید از همین امروز آغاز کرد.

## ارز رسمی: اهدایی دولت به سوداگران از جیب مردم

هستند. همان "بخش خصوصی" است که شریعتمداری از آن نام می‌برد و مایل نیست به آن "اعلان جنگ" کند. همان بخش خصوصی است که وزیر اطلاعات کابینه روحانی، روز ۱۶ تیر، تحت عنوان عدم به مخاطره انداختن "آرامش فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران" با دستگیری بدهکاران بانکی و فعالان اقتصادی مخالفت می‌کند. این همان "بخش خصوصی" است که دولت می‌خواهد صدور نفت را نیز به دست آن بسپارد و وزیر صنعت و وزیر اطلاعاتش نمی‌خواهند به آن "اعلان جنگ" کنند و "آرامش‌اش" را مختل سازند. در حالی که از تورم و گرانی که توده‌های مردم را هر روز به قعر فقر هولناک‌تری می‌راند، ککشان هم نمی‌گذرد. اگر هم صدای اعتراضی برخیزد، ابایی در قتل و حبس معترضان به جان آمده ندارند. نکته دیگری که این فهرست‌ها آشکار می‌کنند، شتاب حیرت‌آوری است که چپاول و غارت حاصل دسترنج توده‌های مردم در ماه‌های اخیر به خود گرفته است. گویی آنان می‌دانند که مهلت‌شان به زودی به سر خواهد آمد، و دور نیست روزی که توده‌های کارگر و زحمتکش بساط غارت‌شان را برچینند و آنان را به زباله‌دان تاریخ بسپارند. بنابراین می‌کوشند از فرصت باقی‌مانده نهایت استفاده را برده و هر چه می‌توانند ثروت و توشه بیش‌تری برای آینده بیندوزند.

### زیرنویس:

\* در اسفند سال ۹۵ اخباری درباره تخلفات گسترده مالی در صندوق ذخیره فرهنگیان به عنوان بزرگترین سهامدار این بانک منتشر شد. مدیر عامل این بانک در آن زمان، مدعی شد، شایعه بدهکاری بانک سرمایه، کار ۲۱ بدهکار کلان بود که باید امروز برای تعیین تکلیف بدهی ۵۵۰۰ میلیارد تومانی خود به دادستانی مراجعه می‌کردند. این افراد ۱۱ سال از بازپرداخت بدهی خود فرار کرده‌اند. هرچند سال گذشته کیهان در گزارشی نوشت هنوز دستگاه قضایی هیچ رسیدگی قطعی انجام نداده است.

\*\* سامانه نظام یکپارچه معاملات ارزی که به اختصار سامانه نیما نام گرفته‌است از تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۹۶ به صورت آزمایشی و از تاریخ ۳ اردیبهشت ۹۷ به شکل رسمی شروع به کار کرد. این سامانه بستری است برای خرید و فروش ارز.

ارتباطات، خبرهای زیر چهره روشن‌تری از وضعیت "بخش خصوصی" و "اقتصاد کشور" را ترسیم می‌کنند. به گفته رحیم زارع، سخنگوی کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی مجلس، "برخی کالا را با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد کشور کرده و از سوی دیگر با قیمت بالاتر به عراق صادر می‌کنند." روز ۱۶ تیر ماه، علی مویدی خرم‌آبادی، رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز اعلام کرد، در سه ماه گذشته ۴۰۰ پرونده مربوط به قاچاق ارز به ارزش ۲۵۰ میلیون دلار کشف شده است "که از این مقدار ۲ میلیون دلار آن به دست آمده است." محمود بهمنی، رئیس پیشین بانک مرکزی و عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، نیز گفته است: "ارز ناشی از دو سال صادرات به ایران بازنگشته و موجودی حساب آفزاده‌ها بیش از ذخایر ارزی در خارج کشور است."

اکنون بعد از انتشار این لیست‌ها، برخی مدعی‌اند که "رانت‌خوار" اصلی در این میان، سپاه و اصول‌گرایان بوده‌اند و برخی دیگر دولت و پیرامونینش را بهره‌برندگان اصلی می‌دانند. اگر یکی از اهداف انتشار لیست‌ها به اختلافات جناحی نسبت داده شود، هدف دیگر آن، انحراف افکار عمومی و ارائه تصویری وارونه از روحانی و کابینه‌اش به عنوان عامل مبارزه با فساد و "شفاف‌گر فضای اقتصادی" است. بسیاری وضعیت کنونی بازار واردات را ناشی از "سودجویی واردکنندگان" می‌دانند، سوال اصلی آن است که کدام نهاد روند اختصاص ارز و فروش سکه را تعیین کرده و به اجرا درآورده است؟ کدام نهادی دست سوداگران را در غارت ثروت توده‌های مردم باز گذاشته است؟ آیا جز همین دولتمدارانی هستند که اکنون به عنوان "شفاف‌گر اقتصادی" ظاهر شده‌اند؟ آیا جز این است که تمامی این روند از فروش سکه تا اختصاص ارز روالی قانونی را طی کرده است؟ اگر روحانی مدعی می‌شود ارز داریم، زیاد هم داریم "نگران نباشید" خطاب او به مردم نیست، بلکه به سرمایه‌داران است. در برابر این ولخرجی دولت از کیسه مردم، محاسبه‌ای ساده، سهم مردم از درآمدهای نفتی را آشکار می‌سازد. دولت با توزیع ۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار ارز رسمی در میان واردکنندگان تا ۲۵ خرداد، و با در نظر گرفتن تفاوت ۲ هزار تومانی میان ارز بازار آزاد و ارز دولتی به طور میانگین، سودی در حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان نصیب سرمایه‌داران کرده است. در حالی که یارانه نقدی دولت به مردم ماهانه به ۴ هزار میلیارد تومان هم نمی‌رسد.

صحبت از "فساد" و "رانت‌خواری" در اقتصاد ایران بسیار است. اما نگاهی به همین گوشه کوچک طی سه ماه گذشته، نشان می‌دهد، فساد، دیگر زایده‌ای بر اقتصاد ایران نیست، بلکه پایه کل نظام سرمایه‌داری دینی حاکم بر ایران بر این فساد واقع است. بدیهی است که در چنین نظامی دست "رانت‌خواران" و چپاول‌گران باز خواهد بود. "مافیای اقتصادی" بخشی از دست اندرکاران اقتصادی کشور نیستند، بلکه کل سرمایه‌داران و سوداگران کلان اقتصاد ایران



## با این دستمزد نمی‌توان زندگی کرد

به‌رغم ادعاهای بانک مرکزی و مرکز آمار در مورد تک رقمی بودن نرخ تورم، همه می‌دانند که تورم در ماه‌های اخیر افسار گسیخته و گرانی بیداد می‌کند. برخی از کالاها ضروری حتماً بیش از صد درصد افزایش قیمت داشته‌اند. افزایش بهای اجاره مسکن نیز به یکی دیگر از معضلات مردم در تابستان تبدیل شده است. در سال‌های اخیر نه تنها تعداد اجاره‌نشینان افزایش یافته، بلکه سیر صعودی اجاره بهای مسکن، باعث گردیده تا به طور متوسط بیش از ۳۵ درصد درآمد یک خانوار صرف تأمین مسکن شود (آمار بانک مرکزی).

افزایش بهای مواد غذایی، بهداشتی و حتی دارو بویژه در یک ماه گذشته، دیگر چیزی بر سر سفره‌ی کارگران باقی نگذاشته است.

یکی از وعده‌های روحانی این بود که افزایش دستمزدها از نرخ تورم پیشی گرفته و بدین ترتیب قدرت خرید کارگران افزایش یابد. اما با گذشت ۵ سال قدرت خرید کارگران به شدت کاهش یافته است. البته این تنها معضل کارگران نیست. بازنشستگان، معلمان و دیگر زحمتکشان

جامعه که حقوق ثابتی می‌گیرند با همین معضل روبرو هستند.

به گفته‌ی وحید شقاقی یکی از اقتصاددانان جمهوری اسلامی (۲۳ خرداد خبرگزاری ایسنا)، "افزایش قیمت دلار به ۶۸۰۰ تومان، باعث شده طی هشت ماه اخیر ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم ۸۰ درصد کاهش پیدا کند". از آن روزی که وی این حرف را زد تا امروز قیمت دلار به بیش از ۸۰۰۰ تومان رسیده و انتظار می‌رود که همچنان افزایش پیدا کند و این یعنی این که قدرت خرید مردم باز هم کاهش پیدا می‌کند.

در زمستان سال گذشته دو تشکل کارگری، سندیکای شرکت واحد و سندیکای هفت تپه به همراه گروه اتحاد بازنشستگان با اشاره به این که براساس آمار بانک مرکزی متوسط هزینه یک خانوار شهری با میانگین ۳/۳۳ نفر در سال ۹۵، ۳ میلیون و ۲۷۵ هزار تومان بوده، خواستار تعیین ۵ میلیون تومان به‌عنوان حداقل دستمزد ماهانه در سال ۹۷ شدند. بدنبال آن‌ها ۵ در صفحه ۶

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

IBAN:  
NL08INGB0002492097  
BIC: INGBNL2A  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توییتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 780 July 2018



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دکراسی شورایی می‌رسانیم که:

برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

**مشخصات ماهواره:**

ماهواره یاه سات Satellite Yahsat

فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency

عمودی Polarization Vertical

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate

اف ای سی ۵ / ۶ FEC

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران

(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)

بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران

(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

**اینترنت:**

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی را مشاهده کنید.

۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

[www.didgah.tv](http://www.didgah.tv)

[www.glwiz.com](http://www.glwiz.com)

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فدائیان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>

<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دکراسی شورایی جهت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران، اروپا و آمریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**